

کافر شدند و گفته شود این ست آنچه او را می طلبید (۲۷) .

بگو آید دید ا گر هلاک کند مرا خدا و آنان را که همراه من اند یا رحمت کند بر ما (بهر حال) که خلاصی دهد کافران را از عذاب درد دهنده (۲۸) .

بگو اوست بخشاینده باو ایمان آوردیم و بروی توکل نمودیم پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر (۲۹) .

بگو آید دید ا گر شود آب شما فرو رفته پس که بیار دبه شما آب روان را (۳۰) .

سوره قلم مکی است و آن پنجاه
ودوایت و دور کوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

ن ، قسم بقلم اعلی و بآنچه می نویسند فرشتگان (۱) .

نیستی تو به فضل پروردگارتو دیوانه (۲) .

وهر آئینه تُراست مزدبی نهایت (۳) .

وهر آئینه تو بر خوی بزرگی (۴) .

پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید (۵) .

که بکدام يك از شما دیوانگی ست (۶) .

هر آئینه پروردگار تو داناترست به کسیکه خطا کرد راه او را و اونیز داناترست به راه یافتگان (۷) .

پس فرمان مبر دروغ دارندگان را (۸) .

آرزو کردند که ملائمت کنی تا ایشان نیز

قُلْ اَرۡسَبۡتُمْ اِنۡ اَهۡلَكۡنِي اللّٰهُ وَمَنۡ مَّعِيَ اَوْ رَحِمَنَا فَمَنۡ يُجۡزِئُ الْكَافِرِيۡنَ مِنْ عَذَابِ اٰلِيۡمٍ ﴿۳۰﴾

قُلْ هُوَ الرَّحۡمٰنُ الرَّحِيۡمُ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلۡنَا فَتَعۡلَمُوۡنَ مَنۡ هُوَ فِيۡ ضَلٰلٍ مُّبِيۡنٍ ﴿۳۱﴾

قُلْ اَرۡءَیۡتُمۡ اَنۡ اَصۡبَحۡنَا مَادُّۡمُ عَوۡرَاۡقِمَۡنَ یَاۡۤاٰیۡتُکُمۡ بِمَآءٍ مَّعِيۡنٍ ﴿۳۲﴾



بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ ۝

نَ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسۡطُرُوۡنَ ﴿۱﴾

مَاۤ اَنْتَ بِعَبۡدٍ رَّحِيۡمٍ رَّبِّكَ بِمَجۡوُوۡبٍ ﴿۲﴾

وَ اِنۡ لَّكَ لَکۡرَۡمًا غَيۡرَ مَمۡنُوۡنٍ ﴿۳﴾

وَ اِنَّكَ لَکَلۡ خٰلِقٍ عَظِيۡمٍ ﴿۴﴾

فَتَتَّبِعُوۡهُ وَيُصۡبِرُوۡنَ ﴿۵﴾

بِیۡۤاٰتِکُمۡ الْمُنُوۡنَ ﴿۶﴾

اِنَّ رَبَّکَ هُوَ اَعۡلَمُ بِمَنۡ صَلَّى عَنۡ سَبِيۡلِهِۦ

وَ هُوَ اَعۡلَمُ بِالۡمُهۡتَدِيۡنَ ﴿۷﴾

فَلَا تُطِیۡعِ الْمُکۡذِبِيۡنَ ﴿۸﴾

وَدُّواۡ لَوۡنَۡنَّ مِنْۢ مَّۤا هُنۡوٰنَ ﴿۹﴾

وَلَا تُظْمِرُ كُلُّ حَلَالٍ تَهْمِينَ ﴿۱۱﴾

هَتَاؤُنَّ شَاءَ يُبَيِّنُ ﴿۱۱﴾

مَتَاعِ الْآخِرِ مَعْتَدًا يُبَيِّنُ ﴿۱۲﴾

عُنْتُ بَعْدَ ذَلِكَ نَزِيمٌ ﴿۱۳﴾

أَنْ كَانَ دَامِلًا وَبَيِّنٌ ﴿۱۴﴾

إِذَا شِئِلَ عَلَيْهِ الْيُنْتَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۱۵﴾

سَسِيمُهُ عَلَى الْخُرُطُورِ ﴿۱۶﴾

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا

لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿۱۷﴾

وَلَا يَسْتَنْتَوْنَ ﴿۱۸﴾

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّنَ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿۱۹﴾

فَأَصْبَحَتْ كَالْفَارِ نِيمٍ ﴿۲۰﴾

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ﴿۲۱﴾

ملائمت کنند (۹) .

واطاعت مکن هر بسیار سوگند خورنده
محقررا (۱۰) .

هر عیب جوهر رونده بسخن چینی (۱۱) .
هر بخل کننده به مال از حد گذشته گناهگار
(۱۲) .

هر سخت روی بعد ازین همه ملحق بقوم
نه از اصل ایشان^(۱) (۱۳)

بسبب آنکه هست صاحب مال و فرزندان
(۱۴) .

(تکذیب کرد) چون خوانده شود بروی
آیات هاگوید افسانه پیشینیان ست (۱۵) .

داغ خواهیم نهاد او را بر بینی^(۲) (۱۶) .
هر آئینه ما آزمودیم ایشانرا چنانکه آزموده
بودیم صاحبان بوستان را چون قسم
خوردند که البته درو کنند بوستان را
بوقت بامداد (۱۷) .

وانشاء الله نمی گفتند (۱۸) .

پس بگردآمد برآن بوستان بلائی
از پروردگار تو^(۳) وایشان خفته بودند
(۱۹) .

پس شد مانند زراعت بریده شده (۲۰) .

پس بایکدیگر آواز دادند هنگام صبح
(۲۱) .

(۱) یعنی سنت خدا آنست که مردم بداصل غالباً متصف باین صفاتِ رذیله باشند .

(۲) کنایت ست از رسوا کردن .

(۳) یعنی آتش در گرفت .

که بامداد روید بکشت خود اگر
دروکننده اید (۲۲) .

پس رفتند بایکدیگر سخن پنهان گویان
(۲۳) .

باید که داخل نه شود دربوستان امروز
برشما هیچ فقیری (۲۴) .

وبامداد رسیدند برنیت بخل توانا بزعم
خود (۲۵) .

پس آنگاه که دیدند آن بوستانرا گفتند
هرآئینه ما خطا کننده راهیم^(۱) (۲۶) .

نه بلکه محروم کردگانیم (۲۷) .

گفت بهترین ایشان آیانه گفته بودم شمارا
که چراتسیب نمی گوئید^(۲) (۲۸) .

گفتند به پاکی یادمی کنیم پروردگار
خودرا هرآئینه ماستمگاربودیم (۲۹) .

پس روآوردند بعضی ایشان بر بعضی
بایکدیگر ملامت کنان (۳۰) .

گفتند ای وای مارا هرآئینه ما بودیم از
حد گذشته (۳۱) .

امیدست که پروردگار ما عوض دهد مارا
بوستانی بهتر ازین هرآئینه مابسوی
پروردگار خود توقع دارندگانیم (۳۲) .

همچنین ست عذاب وهرآئینه عذاب
آخرت بزرگ ترست کاش می دانستند
(۳۳) .

إِن أَعْدُوا عَلٰى حَرْبِكُمْ إِن كُنتُمْ ضَرِيبِينَ ﴿۲۲﴾

فَانظُرُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ﴿۲۳﴾

إِن لَّأَيُّدٍ خُلَّتْهَا أَيُّومٌ عَلَيْكُمْ تَسْكِينٌ ﴿۲۴﴾

وَعَدَا عَلٰى حَرْدٍ قَدِيرِينَ ﴿۲۵﴾

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا الضَّالُّونَ ﴿۲۶﴾

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿۲۷﴾

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿۲۸﴾

قَالُوا سُبْحٰنَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۲۹﴾

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ يَتَلَامَىٰ وَمُؤْمِنٌ ﴿۳۰﴾

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۳۱﴾

عَلٰى رَبِّنَا إِن يُبْدِلْنَا خَيْرًا مِنَّمَا آتَانَا إِلَىٰ رَبِّنَا رِغْبُونَ ﴿۳۲﴾

كَذٰلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ

لَوْلَا نُوٓا يُعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾

(۱) یعنی این بوستان دیگر است بوستان ما نیست .

(۲) یعنی رجوع بخدا کنید .

هرآئینه متقیان رانزد پروردگار ایشان
بوستانهای نعمت باشند (٣٤) .

آیا گردانیم مسلمانان را مانند گنه گاران
(٣٥) .

چيست شمارا چگو نه حکم می کنید
(٣٦) .

آیازد شماکتابی هست که دروی تلاوت
میکنید(این مضمون را) (٣٧) .

که هرآئینه شمارا باشد درآن آنچه اختیار
میکنید (٣٨) .

آیاشمارا عهدهای محکم ست برزمه ما
که حکم آن تابه قیامت باقی باشد (باین
مضمون) که هرآئینه شمارا است آنچه که
مقرر کنید (٣٩) .

پرس ازمشرکان کدام يك ازایشان باین
مقدمه متعهد ست (٤٠) .

آیا این مشرکان راشریکان هستند پس
بایدکه بیارند شریکان خودرا اگر راست
گویند (٤١) .

روزیکه جامه برداشته شود ازساق
وخوانده شود ایشان رابسوی سجده پس
توانند (٤٢) .

نیایش^(١) ظاهر باشد برچشمهای ایشان

إِنَّ الْمُنْتَقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَدَّتِ التَّوْبَةُ ﴿٣٤﴾

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخْتَارُونَ ﴿٣٨﴾

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ
لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾

سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا زَعِيمًا ﴿٤٠﴾

أَمْ لَمْ يُكْرِهُوا أَنْ يَأْتُوا بَشَرًا لَّهُمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾

يَوْمَ يَكْتُمُونَ عَنِ سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ
فَلَا يَسْتَجِيبُونَ ﴿٤٢﴾

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذَلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ

(١) درصحيحين است ولفظ حديث ازبخاری است که أبو سعيد خدری رضی الله عنه روایت می کند ازرسول الله صلى الله عليه وسلم که شنید او را که می فرمودند که روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ماساق خودرا پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان از مردو زن وسجده نتواند کسیکه دردنیابجهت ریواسمعه سجده =

إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ ﴿٢٩﴾

فروگردایشان را خواری وهر آئینه خوانده می شد ایشان را بسوی سجده حالانکه ایشان بی علت بودند (٤٣) .

فَدَارَ بِنِيَّ وَمَنْ يُكَلِّبُ بِهِمَا الْوَعْدِيتَ سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

پس بگذار مرا با کسیکه دروغ می شمرد این سخن را پایه پایه خواهیم کشید این جماعت را از آن راه که نمیدانند (٤٤) .

وَأْمُرِ لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٣١﴾

و مهلت خواهم داد ایشان راهر آئینه حيله من محکم ست (٤٥) .

أَمْ سَأَلْتَهُمُ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّعْرَمٍ مَّثْقَلُونَ ﴿٣٢﴾

آیامی طلبی ازین جماعت مزد پس ایشان از تاوان گرانبارند (٤٦) .

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾

آیا نزد این جماعت علم غیب ست پس ایشان مینویسند (٤٧) .

فَأَصْبِرْ لِكُلِّ رِيكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ السُّوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٣٤﴾

پس صبر کن بانتظار حکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی^(١) چون دعا کرد و او پرازغم شده بود (٤٨) .

لَوْلَا أَن تَدْرِكُهُ رِيعَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٣٥﴾

اگر نه آنست که دریافت اورا رحمتی از جانب پروردگار اوابته افکنده میشد بر زمین بی گیاه و او بدحال بودی^(٢) (٤٩) .

فَأَجْتَنِبَهُ رَبُّهُ فَجَمَلَهُ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٣٦﴾

پس برگزیدش پروردگار او پس ساخت اورا از جمله صالحان (٥٠) .

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُفْلِتُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَعُوا لِذِكْرٍ

وهر آئینه نزدیک اند کافران که بلغزانند ترا به چشم های تیز خود چون شنید نذقرآن

= میگرد پس کوشش می کند که سجده کند ولی بآن قادر نمیشود زیرا که پشت

او یک طبق مثل تخته راست میشود .

(١) یعنی یونس علیه السلام .

(٢) لیکن رحمت در رسید و بدحال نه شد .

را^(۱) ومی گویند هر آئینه این پیغامبر دیوانه است (۵۱) .

و بحقیقت نیست این قرآن مگر پندی عالمهرا (۵۲) .

سوره حاقه مکی است و آن پنجاه
ودو آیت و دو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .
قیامت (۱) .

چیست آن قیامت (۲) .

و چه چیز خبردار کرد ترا که چیست آن
قیامت^(۲) (۳) .

دروغ شمرد قبیله ثمود و عاد قیامت را (۴) .
اما ثمود پس هلاک کرده شد ایشانرا به
نعره تند (۵) .

و اما عاد پس هلاک کرده شد ایشانرا به
باد سخت از حد گذشته (۶) .

خدا بگماشت آن بادر ابرعاد هفت شب
و هشت روز نهایت نحس پس می بینی
ای بیننده آن قوم عاد رادر آن شب ها
و روزها بزمین افتاده گویا ایشان تنه های
درختان خرماي از کهنگی برهم شده اند
(۷) .

وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٥٣﴾

الْحَاقَّةُ ﴿٥٤﴾

مَا الْحَاقَّةُ ﴿٥٥﴾

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٥٦﴾

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِوَاعَادِ الْقَارِعَةِ ﴿٥٧﴾

فَأَمَّا ثَمُودُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ الْغَالِبَةِ ﴿٥٨﴾

وَأَمَّا عَادُ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ رَبِيحَ صَوَّصَرِ عَاتِيَةٍ ﴿٥٩﴾

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَلْمِيزَةَ آيَاتِهِمْ لِأَخْسُوهُمْ

فَكَرَى الْقَوْمُ فِيهَا صَارِعِي كَانَتْهُمْ أَجْمَازُ فَعَلِ خَاوِيَةٍ ﴿٦٠﴾

(۱) و این کنایه است از شدت عداوت ایشان .

(۲) مترجم گوید ظاهر نزدیک بنده آنست که معنی آیت ست عقوبتِ ثابت چیست آن
عقوبتِ ثابت و هر چیز مطلع ساخت ترا که چیست آن عقوبتِ ثابت بعد از آن چند
عقوبت گذشته را بیان فرمود .